

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

چریکهای فدائی خلق ایران  
۰۵ جون ۲۰۲۰

## قتل وحشیانه جورج فلوید ، زنگها را برای سرمایه داران به صدا در آورد!



آگاهی مردم امریکا از این امر که یک مرد سیاه پوست (جورج فلوید) در تاریخ ۲۵ مه ۲۰۲۰ توسط پولیس فاشیست امریکا به شیوه بربر منشانه و تحت یک شکنجه دردناک به شکل فجیعی به قتل رسید، شورشی بزرگ و دامنه داری را در جامعه امریکا برپا نموده که همچنان ادامه دارد.

نمایش صحنه نفرت آور پولیس فاشیستی که بی اعتناء به جان انسانی که بر کف آسفالت خوابانده شده و فریاد می زند "نمی تواند نفس بکشد"، اما او همچنان زانوی خود را بر گردن قربانی فشار می دهد تا جان او را بستاند، نشانگر توحش نهادینه شده در صفوف فاشیست هائی است که نظم امپریالیستی حاکم را پشتیبان خود و جنایاتشان

می ببیند. این شیوه بربرمنشانه قتل یک فرد سیاه پوست اگر چه آن قدر موهن و تنفر آور بود که نمی توانست وجدان انسان های آزادیخواه و شریف را بر نینگیخته و آن ها را جهت اعتراض و ابراز تنفر نسبت به قاتلان این مرد سیاهپوست به خیابان ها نکشاند، اما این صرف قتل و چگونگی کشتن جورج فلوید نیست که حضور ده ها هزار تن از مردم آزادیخواه امریکا، از سیاه و سفید گرفته تا خارجی تبارها را در خیابان های ۱۴۰ شهر امریکا، این سمبل دروغین "حقوق بشر" ، "تمدن" ، "آزادی" و "فرصت های برابر" و تمامی تبلیغات دروغین دیگر در این زمینه را توضیح می دهد. قتل فجیع "جورج فلوید" به مثابه جرقه ای عمل کرد که در شرایط انباشته شدن خشم و کینه محرومان در امریکا نسبت به شکاف طبقاتی عظیم در سیستم سرمایه داری امپریالیستی این کشور بین آن ها و طبقه انگلی که از قبیل کار و رنج و زحمت این محرومان ارتزاق می کند و مروج نژاد پرستی هم می باشد، انفجار توده ئی کنونی را به وجود آورد. به واقع، این قتل، تنها یک جرقه بود که یکبار دیگر انبان خشم توده های ستمدیده و طبقات محروم در امریکا را به آتش کشید و بوی گند عفونت عمیق موجود در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی حاکم بر ایالات متحده امریکا را که نژاد پرستی و فاشیسم تنها مواردی از جلوه های کثیف آن می باشند، آشکار ساخت.

شورش هائی که هم اکنون در چندین ایالت امریکا جریان دارند، و برخورد سرکوبگرانه دولت امریکا با این شورش ها، آن طور که ژورنالیسم فریبکار و بی خاصیت بورژوازی جلوه می هد ، صرفاً "بزرگترین ناآرامی های نژادی در نیم قرن اخیر در امریکا" نیست بلکه دادخواست تغییر بنیادین و نابودی نظام استثمارگرانه ای ست که در ضمن عامل اصلی "نابرابری های نژادی" این چینی هم می باشد. بی دلیل نیست که در جریان این "ناآرامی ها" بسیاری از مراکز سرکوب و استثمار توسط شورشیان به آتش کشیده شدند. به واقع، شعله های حاصل از آتش بر این مراکز، تبلوری از شعله های خشم و کینه ای است که در دل های محرومان نسبت به سرمایه داران و نیروهای سرکوبگرشان زبانه می کشد.

توده های خشمگینی که با شعار های "عدالت برای فلوید" ، "من نمی توانم نفس بکشم" ، "نه به خشونت پولیس" ، "جان سیاهان مهم است" ، "به خشونت نژادی پایان دهید" و ... همراه با دست نوشته هائی علیه سرمایه داری و ثروتمندان، بر روی دیوارها، همچون "مرگ بر یک درصدی ها"، به خیابان ها آمده اند، چنان رُعبی در دل استثمارگران و نژاد پرستان انداخته اند که ترمپ تبهکار و نژاد پرست را در هراس از گرفتار شدن به دست معترضان، وادار به فرار به زیر زمین کاخ سفید کردند. این در حقیقت، طغیان ۹۹ درصد از محرومان علیه یک نظام ظالمانه با شکاف طبقاتی شدید، علیه فقر، بیکاری، گرانی و بی چیزی، خیابان خوابی و کارتن خوابی و سرکوب و نابرابری و در یک کلام علیه تمامی تجلیات نظام سرمایه داری حاکم بر امریکاست.

سرکوب وحشیانه این تظاهرات با گاز اشک آور و اسپری فلفل و نارنجک بی حس کننده و شلیک گلوله های پلاستیکی و به خدمت گرفتن ارتش و تهدید به شلیک با سلاح گرم و رها کردن "سگان وحشی" به میان معترضان و بالاخره دستگیری صد ها نفر از معترضان، حتی به دلیل شرکت در تظاهرات مسالمت آمیز، تنها نمایانگر هراس طبقه سرمایه دار حاکم و نمایندگان فاشیست آن نظیر ترمپ از تداوم و رشد این اعتراضات است. حرکتی که چُرت سرمایه داران حاکم را پاره کرده و می رود تا تهدیدی برای پایه های نظم امپریالیستی در این کشور گردد.

سیاست ترمپ نژاد پرست و طبقه حاکم، اظهار تأسف های شیدانه و همدردی فریبکارانه با بازماندگان قربانی و در سخاوتمندانه ترین حالت با سیاهپوستان امریکا و در همان حال بستن شمشیر از رو و حمله برای قلع و قمع حرکت اعتراضی توده های مبارز و آزادیخواه بوده است. اکنون همکاران همان پولیس مزدور و نژاد پرست طرفدار ترمپ، که با گذاردن زانوی خود بر گردن جورج فلوید او را به قتل رساند، با ماشین های پولیس به سوی جمعیت تظاهر کنندگان گاز می دهند و می کوشند از روی آن ها رد شوند. این همکاران پولیس مزدور و قاتل، با ضرب و شتم وحشیانه کسانی که با فریاد دادخواهی به خیابان ها آمده اند، چنان صحنه هائی از شقاوت و بیرحمی در مقابل تلویزیون ها آفریده اند که با قتل فجیع جورج فلوید برابری می کند. توده محروم و مصمم برای مبارزه، با مشاهده همین صحنه هاست که فریفته اظهارات شیدانه ترمپ نشده و همچنان به رغم اعلام حالت فوق العاده توسط برخی فرمانداران ایالت ها، مصممانه به تظاهرات خود و مقاومت در برابر تعرض طبقه حاکم ادامه می دهند. مردم آزادیخواه امریکا نظیر همین تاکتیک های فریبکارانه را در جریان قتل های مشابه نژادپرستانه از سوی پولیس در زمان بارک اوباما به اصطلاح دمکرات هم دیده بودند و شاهد بودند که صرف نظر از این که یک جمهوریخواه و یا یک دمکرات بر سیستم سیاسی حاکم بر امریکا حکم براند، به رغم هر ادعائی که هر یک از آن ها ممکن است داشته باشند در عمل از اساس استثمارگرانه نظام سرمایه داری حاکم و نژادپرستی و فاشیسم نهادینه شده در آن حفاظت می کنند.

امروز نمایندگان طبقه حاکم از هر دو جناح و سخنگویان آن ها و نیروهای راست با استناد به، به آتش کشیده شدن فروشگاه های زنجیره ئی و شعبات انحصارات امپریالیستی که در سراسر امریکا انباشته از کالاهای مصرفی و گران

و غیر قابل دسترس برای میلیون ها تن از گرسنگان و بیکاران و محرومان امریکا می باشند، تبلیغات گسترده ای به راه انداخته و کمر به بی اعتبار کردن اعتراضات اخیر و ماهیت ضد سرمایه داری و ضد فاشیستی این شورش ها بسته اند. آن ها به خصوص روی مصادره کالاها برخی از این مراکز توسط توده های محروم تمرکز نموده اند. اما آن چه که در این واکنش اجتماعی و تخریب و "غارت" و به واقع مصادره از فروشگاه های لوکس به نمایش گذارده شد، از یک سو طغیان خشم و نفرت بی چیزان و محرومان نسبت به عوامل فقر و بیکاری و غارت و استثمار خود یعنی انحصارات امپریالیستی می باشد و از سوی دیگر تلاش بحق آن ها برای مصادره بخش بسیار ناچیزی از اموالی است که با وجود آن که با نیروی کار آن ها آفریده شده، اما کمترین سهمی از آن نمی برند و در شرایط بی حقوقی کامل در نظام حاکم بر امریکا محکوم به گرسنگی و بردگی شده اند. اگر هم از زیاده روی در تخریب ها سخن در میان است، باید درک کرد که عامل آن نه محرومان گرسنه و به جان آمده از نابرابری، که گردانندگان نظامی هستند که به جای تأمین نیازهای اکثریت جامعه تنها به مکیدن شیره جان آنان و پر کردن جیب های خود مشغولند و هر گونه مطالبه برای تغییر این وضع و حتی تعدیل در آن را با پولیس فاشیست و ارتش و دستگاه سرکوب پاسخ می دهند.

بدون شک بازتاب ها و نتایج تظاهرات و شورش های روزهای اخیر در امریکا پس از قتل جورج فلوید به همین جا ختم نمی شوند. اما برای هر چشم خیره بر واقعیت روشن است که تظاهرات و شورش کنونی در امریکا زنگ های خطر را برای استثمارگران به صدا در آورده اند! به امید آن که کارگران و ستمدیدگان معترض و به پاخاسته این کشور بتوانند با سازماندهی خود در جهت نابودی امپریالیسم امریکا، این دژ ارتجاع جهان - که نه فقط با استثمار کارگران این کشور بلکه با استثمار نیروی کار کشورهای تحت سلطه اش و غارت ثروت های آن ها عامل فقر و فلاکت و مصیبت های دردناک در سراسر دنیا می باشد - حرکت کنند. شکی نیست که تلاش های مبارزاتی کارگران و ستمدیدگان امریکا در حالی که راه رسیدن به جامعه ای عاری از ظلم و ستم و استثمار را در این کشور هموار می سازد، نقش بزرگی نیز در تسهیل امر انقلاب در سطح جهان دارد.

**پر توان باد خروش مبارزاتی ستمدیدگان در امریکا!**

**مرگ بر امپریالیسم امریکا!**

**نابود باد نظم ظالمانه سرمایه داری در سراسر جهان!**

**زنده باد انقلاب! پیروز باد سوسیالیسم!**

**چریکهای فدائی خلق ایران**

**۱۴ خرداد ۱۳۹۹ - ۳ جون ۲۰۲۰**